

واپسین دم و مقوله سرنوشت

شرق: ادبیات اتریش در قرن بیستم نویسندگانی با جایگاه و شهرتی جهانی داشت که تأثیر زیادی بر ادبیات آلمانی‌زبان و به‌طورکلی ادبیات جهانی به جا گذاشتند. یوزت روت اگرچه به اندازه نویسندگانی چون موزیل و آرتور شنیتلسر مشهور نیست اما از نویسندگان مهم قرن بیستم اتریش به‌شمار می‌رود.

یوزف روت، نویسنده و روزنامه‌نگار قرن بیستمی اتریش است که در سال ۱۸۹۴ در خانواده‌ای یهودی متولد شد. او در دوران جوانی در دانشگاه وین فلسفه و ادبیات آلمانی خواند و در ۱۹۱۶ با پیوستن به نیروهای ارتش تحصیل را رها کرد. جنگ تجربه‌ای است که تأثیر زیادی بر روت گذاشت و رد این تجربه در برخی آثار او دیده می‌شود. روت هم به‌عنوان نویسنده و هم به‌عنوان روزنامه‌نگار چهره مهمی به‌شمار می‌رفت و در هر دو عرصه شناخته‌شده بود. او در سال ۱۹۲۳ اولین رمانش به نام «تار عنکبوت» را نوشت؛ داستانی که البته هیچ‌گاه در قالب کتاب به چاپ نرسید. روت این رمان را به شکل یاورقی در روزنامه کارگرین چاپ می‌کرد و بعدها آن را به لحاظ ادبی بی‌ارزش دانست. رمان بعدی او «هتل ساوی» نام دارد که در روزنامه فرانکفورتر منتشر می‌شد.

«عصیان» سوومین رمان یوزف روت است. این رمان که در روزنامه سوسیالیست‌های آلمانی فووروتس منتشر می‌شد، در سال ۱۹۲۴ در قالب کتاب هم منتشر شد. این سه رمان به دوره آغازین کار روت اختصاص دارند. «عصیان» مدتی پیش با ترجمه سسینا درویش عمران و کیوان غفاری در نشر بیدگل منتشر شده بود و به‌تازگی چاپ تازه‌ای از آن در همین نشر منتشر شده است.

«عصیان» روایتی است که به واپسین دم زندگی یک انسان و ذهنیت او پرداخته است. روت در این رمان، به شکلی بی‌رحمانه به مقوله سرنوشت می‌پردازد. آندریاس پوم، شخصیت اصلی «عصیان»، کهنه‌سربازی بازگشته از جنگ جهانی اول است که یک پایش را در جنگ از دست داده و چیزی جز یک نشان نظامی برایش باقی نمانده است. او که نوازنده‌ای خیابانی است، برخلاف هم‌رزمانش در جنگ، به خدا و دولت باوری خدشه‌ناپذیر دارد و دشمن و مخالف کافران و دائم‌الخمرها، زدها و غارتگرها است؛ اما به طرز طعنه‌آمیز پس از یک نزاع خیابانی به‌عنوان یک شورشی و عاصی زندانی می‌شود و تمام چیزهایی که به آنها باور دارد، در لبه پرنگاه قرار می‌گیرند.

او همچنین تحلیلی جامعه‌شناسانه از تقسیمات در بازار کار ارائه داده و به وضعیت کار و مبارزه کارگران برای سازمان‌دهی درونی در محیط کار پرداخته است. بیات به نقش واقعی کارگران در روند انقلاب نیز توجه کرده است.
باین‌حال موضوع اصلی کار او در این پژوهش، بر ظهور شکل خاص کار و سازمان‌های کارگران، شوراهای کمیته‌های کار‌خانه‌ها در محیط‌های صنعتی تمرکز دارد. او شوراهای کارگری را «نهادهای کنترل کارگران» می‌داند که هدف‌شان اصلاح و تغییر تقسیم کار در محل کار و همچنین توانمندکردن کارگران برای کنترل تولید و توزیع و معامله بود. او تجربه‌های شوراهای کارگری و افول آنها را بررسی کرده و شکست شوراه‌ا را هم به دلیل اختلافات درونی‌شان دانسته و هم به دلیل فشارهای خارجی به‌ویژه فشارهای بیرونی دولتی. کنترل در فرایند تولید موضوعی است که مارکس مطرح می‌کند. مارکس می‌گوید مدیریت در فرایند تولید سرمایه‌داری ضروری است هم به این دلیل که هر فرایند تولید در هر حالتی از تولید، برای هماهنگ‌کردن کار ترکیبی همه کارگران مستلزم هماهنگی است و نیز به این دلیل که روابط تولیدی سرمایه‌داری ذاتا خصومت‌آمیزند، چراکه انباشت هدف نهایی سرمایه است. دلیل وظیفه دوم مدیریت که در تمام حالات تولید مشخص می‌شود، کنترل نامیده می‌شود. ظهور شوراهای کارگری در روزهای پس از انقلاب پدیده‌ای شگفت‌انگیز حتی برای گروه‌های چپ بود. آنها اگرچه به شوراه‌ا توجه کردند اما به لحاظ نظری موانع عمده‌ای پیش‌رویشان برای درک و تحلیل دقیق شوراهای کارگری وجود داشت. منظور بیات از کنترل کارگری، به‌معنای مفهوم واقعی مطالبات کارگران برای اعمال نظارت بر روند تولید و مدیریت تولید و همچنین پیامدهای این مطالبات است.

پژوهش بیات برخلاف تصور کلیشه‌ای که منکر شکل‌گیری ریشه‌های دموکراسی و مبارزه‌ای از پایین در کشورهای جهان سوم است، نشان می‌دهد که در عمل چنین تجربه‌هایی وجود داشته است. او همچنین با بررسی تجربه شوراهای کارگری این دیدگاه را به چالش می‌کشد که کارگران به‌ویژه کارگران در کشورهای درحال‌توسعه تنها به مسائل معیشتی توجه دارند. ویژگی دیگر پژوهش بیات این است که او به تضادهای درونی و موانع پیش‌روی این تجربه‌ها هم توجه داشته است. او در بخشی از مقدمه‌اش درباره این موضوع نوشته: «یکی از عوامل بسیار مهمی که باید بررسی شود، تضادهای درونی و کمبودهای خود جنبش‌هاست. برخ محققان خود را تنها محدود به ستایش مبارزت برای کنترل کارگری می‌کنند، با این فرض که شکست آنها را نمی‌توان به خود کارگران نسبت داد. آنها شکست را منحصرآ به عوامل خارجی مانند سرکوب یا خیانت نسبت می‌دهند. من در این مطالعه، به مشکلات داخلی شوراهای کارگری در ایران می‌پردازم. تأکید بر ناسازگاری کنترل کارگران با بهره‌وری نیست؛ بلکه بر مشکل ماندگاری یکی از تقسیمات عمدتا سرمایه‌داری نیروی کار انگشت می‌نهم که با منطق کنترل کارگران مغایرت دارد.»
کارگران و انقلاب ۵۲» اگرچه کاستی‌های تجربه مشارکت کارگران را بررسی و تحلیل می‌کند؛ درعین‌حال شوراه‌ا را روشی برتر برای بازدهی تولید و برای جامعه‌ای دموکراتیک می‌داند و کاشش از خودبیدگاری در محل کار را یکی از ابعاد مهم سازمان‌دهی شوراه‌ا در نظر می‌گیرد.

کارگران و انقلاب ۵۲/ آصف بیات/ ترجمه محمد دانش/ چاپ سوم/ نشر اختران

«کارگران و انقلاب ۵۲» از آصف بیات یکی از ارزنده‌ترین مطالعاتی است که به‌طورخاص به شوراهای کارگری در دوران پس از انقلاب پرداخته است. این کتاب که چندی پیش با ترجمه محمد دانش به فارسی منتشر شده بود، به‌تازگی در نشر اختران به چاپ سوم رسیده است. پژوهش آصف بیات به کارگران ایرانی و تجربه‌های شوراهای کارگری در ماه‌های پس از انقلاب مربوط است. او در این اثر کوشیده وجود عینی و واقعی طبقه کارگر با توجه به هویت و اهمیت اقتصادی‌اش و نیز روند پرتلرتشدن آن را بررسی کند.

کارگران و انقلاب ۵۲/ آصف بیات/ ترجمه محمد دانش/ چاپ سوم/ نشر اختران

«کارگران و انقلاب ۵۲» از آصف بیات یکی از ارزنده‌ترین مطالعاتی است که به‌طورخاص به شوراهای کارگری در دوران پس از انقلاب پرداخته است. این کتاب که چندی پیش با ترجمه محمد دانش به فارسی منتشر شده بود، به‌تازگی در نشر اختران به چاپ سوم رسیده است. پژوهش آصف بیات به کارگران ایرانی و تجربه‌های شوراهای کارگری در ماه‌های پس از انقلاب مربوط است. او در این اثر کوشیده وجود عینی و واقعی طبقه کارگر با توجه به هویت و اهمیت اقتصادی‌اش و نیز روند پرتلرتشدن آن را بررسی کند.

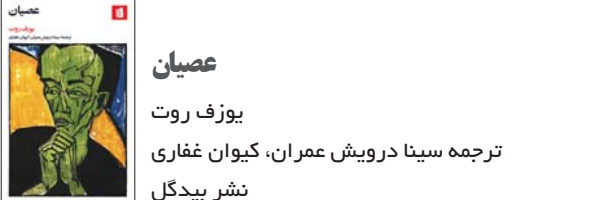
سازمان‌دهی سیاسی است که در آن «اتباع نه به علت ایمان و نوع دیانت و عقیده‌شان، بلکه صرفاً به علت زاده‌شدن در قلمرو سرزمین از حقوق برابر برخوردار می‌شوند و نخستین لازمه تحقق این حق برابر، بی‌طرفی دولت نسبت به دین و مذهب و عقاید اتباع خود است؛ همان چیزی که اصطلاحاً دولت عرفی نام گرفته است» (ص ۲۲) و «درواقع در چارچوب ملت-دولت‌ها، اتباع به‌جای آنکه دین خود را عامل اساسی هویت‌بخش خویش بدانند… تعلق ملی را عامل هویت‌بخش مهجرتی به شمار می‌آورند» (ص ۲۳).

نویسنده سپس می‌کوشد تا روند شکل‌گیری، تحول و فراز و فرود ایده و واقعیت ملت-دولت در ایران را - به گمان من - برای عموم- شرح دهد. شرح نسبت ایران و ملت-دولت را از صفویان آغاز می‌کند، اما در چند صفحه به عصر قاجار گذر می‌کند. زیدآبادی به مناقشات روشنفکران با رقیبای روحانی خود بر محور اندیشه ملت-دولت، انقلاب مشروطیت و تجلی فکر ملت-دولت در قانون اساسی مشروطه و البته تن‌دادن حامیان ملت-دولت به مصالحه با روحانیون درخصوص تلفیق دینت و ملیت می‌پردازد و معتقد است «فانوا اساسی مشروطیت و پایی در حقوق ملی و پایی دیگر در شریعت دینی

رمان این‌گونه آغاز می‌شود: «کمپ بیمارستان صحرایی شماره ۲۴ در حومه شهر قرار داشت. آدم سالم و سرحال فاصله آخرین ایستگاه تراموا تا بیمارستان را در نیم‌ساعت طی می‌کرد. قلب دوره آغازین کار روت متشتر شده‌اند. «تفکر نقادانه درباره صحرایی شماره ۲۴ قادر نبودند خود را به ایستگاه تراموا برسانند. آنها ناینبا یا فلج بودند، می‌لنگیدند. ستون فقرات‌شان خردوخمیر شده بود یا قطع عضو شده بودند یا منتظر عمل قطع عضو بودند. جنگ را خیلی وقت پیش پشت‌سر گذاشته بودند؛ آموزش نظامی، گروهبان، سروان، گروهان خشکن، وعاظ ارتش، تولید قیصر، یغلاوی، سنگر و حمله همه را فراموش کرده بودند. جنگ بین آنها و دشمن دیگر تمام شده بود. حالا برای جنگی دیگر آماده می‌شدند، جنگی علیه درد، علیه عضوهای مصنوعی، علیه عضوهای فلج‌شده، علیه کم‌راهی خمیده، علیه شب‌های بی‌خوابی و علیه باقی آدم‌ها که سالم بودند. فقط آندریاس پوم از وضع موجود راضی بود. یک پایش را از دست داده بود و مدالی دریافت کرده بود. خیلی‌ها، گرچه پیش از یک پا از دست داده بودند، یک مدال هم نصیبشان نشده بود. دست‌ها یا پاهایشان قطع شده بود یا

شرق: «تفکر نقادانه مسائل اخلاقی» و «معیارهای قابلیت در تفکر نقادانه» عنوان دو کتاب از مجموعه راهنمای اندیشه‌ورزان است که به‌تازگی در نشر نو منتشر شده‌اند. «تفکر نقادانه درباره

مسائل اخلاقی» نوشته ریچارد پِل و لیندا الدر ششمین عنوان این مجموعه است که با بازنویسی مهدی خسروانی منتشر شده است. در ابتدای کتاب توضیحاتی درباره این مجموعه آمده و ازجمله به این نکته اشاره شده که کتاب‌های این مجموعه بر اساس مفهوم‌های سنجشگرانه‌اندیشی یا تفکر نقادانه نوشته شده‌اند. مبنای کتاب‌های این مجموعه به‌جز یکی یعنی کتاب «شفاف‌اندیشیدن»، نظریه ریچارد پِل درباره تفکر نقادانه است. سنجشگرانه‌اندیشسی طبق تعریف کتاب، دانشی است که هدفش افزایش توانایی ما در اندیشیدن، استدلال‌کردن و نقدکردن است. سنجشگرانه‌اندیشی بیش از آنکه به اندیشه‌ها بپردازد، به اندیشیدن می‌پردازد و سعی می‌کند کیفیت اندیشیدن ما را ارتقا بدهد. مخاطبان این کتاب‌ها، هم کسانی هستند که به‌طورحرفه‌ای با پژوهش و تدریس و تحصیل مشغول‌اند و هم کسانی که می‌خواهند در زندگی روزمره‌شان بهتر بیندیشند. مهدی خسروانی توضیح داده که این کتاب‌ها را به‌جای آنکه ترجمه کند «بازنویسی کرده؛ چراکه می‌گوید این کتاب‌ها مخاطب‌محورند و ازاین‌رو لازم دیده که آنها را براساس نیازهای خواننده فارسی‌زبان متناسب کند. کتاب «تفکر نقادانه درباره مسائل اخلاقی» می‌کوشد مبانی استدلال و اندیشیدن سنجشگرانه درباره مسائل اخلاقی را بیان کند: «هدفمان این است که خواننده ضمن فهم نکته‌هایی که فهمیدن‌شان برای استدلال درباره موضوع‌ها و مسائل اخلاقی ضروری است، با ابزارهای فکری لازم برای این کار آشنا شود». ازاین‌رو خوانند این کتاب کمک می‌کند که خواننده مبنای اولیه‌ای برای اندیشیدن استدلالی و سنجشگرانه درباره اخلاق به دست آورد. درواقع در این کتاب تلاش شده تا حد امکان مبانی استدلال اخلاق‌شناسانه به اختصار بیان شود. کتاب می‌گوید که فهم این مبانی چندان دشوار نیست؛ اما مسئله در جای دیگری است: «در اینکه افراد خودمدار و گروه‌های جامعه‌محور دستت به دست هم می‌دهند تا افراد باورهای گروهی‌ای درونی کنند و به این مبانی عمل نکنند. به‌این‌ترتیب، افراد نمی‌توانند فراتر از باورهای جامعه‌شان بیندیشند و ایدئولوژی اجتماعی را حقیقت می‌پندارند. مفهوم‌های اخلاقی با مفهوم‌های ایدئولوژیک و حقوقی اشتباه گرفته می‌شوند و این اشتباه افراد را از انجام‌دادن کار درست بازمی‌دارد. اگر چشم‌مان به این مشکل (که در همه‌جای جهان وجود دارد) باز شود و اساس منطق اخلاق‌شناسی را بشناسیم، می‌توانیم نخستین گام‌ها را برای بهبود کیفیت استدلال اخلاق‌شناسانه برداریم. به عبارت دیگر، اگر بخوایم، می‌توانیم تشخیص این نکته را بیاموزیم که چه زمانی رفتار ما به دیگران آسیب می‌رساند و چه زمانی زندگی آنها را بهتر می‌کند… به‌دست‌آوردن و به‌کارگیری بینش‌های مربوط به استدلال اخلاق‌شناسانه نیازمند تمرین و صرف وقت است. این بخشی جدایی‌ناپذیر از فریختگی و سنجشگرانه‌اندیشی است که در کتاب تفکر نقادانه درباره مسائل اخلاقی کوشیدیم دست‌کم مبانی اولیه‌اش را روشن کنیم. آشنایی با این مبانی، ضمن روشن‌ساختن این نکته که اندیشیدن سنجشگرانه درباره مسائل اخلاقی امر رازآلود و اسرارآمیزی نیست، اخلاق‌شناسی را روی پای خودش قرار می‌دهد؛ یعنی روی توانایی اساسی انسان‌ها در تشخیص آنچه به موجودات



نخاعشان چنان آسیب دیده بود که باید تا آخر عمر درازه دراز می‌افتادند روی تخت».

منتقدان «عصیان» را روایتی دانسته‌اند که از منطق اروپایی و سراسرت قصه بریان پیروی می‌کند و او را یکی از زوایای یک چهارضلعی می‌داند که اضلاع دیگرش نام‌های بزرگی چون کافکا، موزیل و تسوایک هستند. در بخشی دیگر از این رمان می‌خوانیم: «آقای آرنولد قدبلند، تندرست و به نسبت متمول بود و باین‌حال چندان از زندگی‌اش راضی نبود. کسب‌وکارش رونق داشت. در خانه همسری وفادار منتظرش بود که برایش دو فرزند به دنیا آورده بود؛ دقیقاً همان‌طورکه آرزویش را داشت، یک پسر و یک دختر. کت‌وشلوارهایش خوب به تنش می‌نستت. کراوات‌هایش همیشه مطابق مد روز بود. ساعت جیبی‌اش درست کار می‌کرد و ساعات آموزش با دقت هرچه تمام‌تر برنامه‌ریزی شده بود. هیچ اتفاق غیرمنتظره ناخوشایندی زندگی آرام و منظمش را متزلزل نمی‌کرد. تقریباً غیرممکن بود که سر صبح نامه‌ای آزاردهنده از خویشاوندی فقیر به دستش برسد که در آن عاجزانه از او طلب کمک کرده باشد. اصلاً خویشاوند فقیرند نداشت. خانواده‌ای مرفه بود که در آن هیچ دعوا و مرافعه‌ای رخ نمی‌داد.»

تفکر نقادانه و ارتقای اندیشیدن

دارای احساس آسیب می‌رساند و آنچه به به‌زیستی‌شان کمک می‌کند.»
کتاب دیگر این مجموعه، «معیارهای قابلیت در تفکر نقادانه» نیز نوشته ریچارد پِل و لیندا الدر است که با ترجمه محمدرضا سلیمی و ویرایش مهدی خسروانی منتشر شده است. مترجم در مقدمه‌اش نوشته است که این کتاب در اصل برای معلمان و استادان سنجشگرانه‌اندیشی نوشته شده و هدفش این است که چارچوبی برای ارزیابی توانایی و قابلیت دانش‌آموزان و دانشجویان در زمینه سنجشگرانه‌اندیشی فراهم کند. کتاب در ابتدا بحثی مختصر درباره سنجشگرانه‌اندیشی و ارتباط آن با آموزش کرده و سپس به ترسیم خطوط کلی و جزئیات این قابلیت‌ها پرداخته و آنها را به مفاهیم اصلی سنجشگرانه‌اندیشی ربط داده و درنهایت دستورالعمل‌هایی برای نمرده‌دهی آورده است. در پیوست کتاب درباره زیربنای نظری آن توضیحاتی داده شده و به این نکته اشاره شده که نظریه سنجشگرانه‌اندیشی که اساس نظری این مباحث را تشکیل داده مجموعه‌ای غنی از انگاره‌های به هم مرتبط است که اگر به‌طور عمیق فهمیده شوند، قابلیت‌های سنجشگرانه‌اندیشی را شکل می‌دهند: «در سنجشگرانه‌اندیشی چهار مجموعه اساسی از انگاره‌ها و مفهوم‌ها وجود دارد که آموزش‌گرانی که می‌خواهند قابلیت‌های سنجشگرانه‌اندیشی را در خود و دانش‌آموزان و دانشجویانشان پرورش دهند، باید بر آنها تسلط پیدا کنند». این چهار مجموعه اساسی عبارت‌اند از: عنصرهای اندیشه، سنجه‌های فکری جهان‌روا، فضیلت‌های فکری و پیش‌آمادگی‌های طبیعی ذهن که مانع پرورش سنجشگرانه‌اندیشی می‌شوند». کتاب تأکید دارد که آموزش‌گران به اندازه‌ای می‌توانند سنجشگرانه‌اندیشی را پرورش دهند که خودشان سنجشگرانه‌اندیشی می‌شوند». ضعف آموزش‌گران می‌تواند مانع بسیار مهمی برای موفقیت دانش‌جویان در به‌دست‌آوردن قابلیت‌های سنجشگرانه‌اندیشی باشد: «آموزش‌گران، برای آنکه به دانشجویان کمک کنند تا متفکرانی ژرف‌اندیش شوند، باید خودشان عمیق بیندیشند؛ برای آنکه به دانشجویان کمک کنند تا تواضع فکری خود را پرورش دهند، باید خودشان تواضع فکری را در خودشان پرورش دهند؛ برای آنکه چنان‌نگری چندمنطقی عقلانی و معقول را پرورش دهند، باید قبلاً خودشان چنین نگری‌اش را در خود ایجاد کرده باشند. خلاصه، آموزش سنجشگرانه‌اندیشی مستلزم این است که آموزش‌گر درکی شفاف و روشن از سنجشگرانه‌اندیشی داشته باشد». تفکر نقادانه اگرچه جزئی از دروس رسمی و اجباری دانشگاه‌های ایران نیست؛ اما کارگاه‌ها و دوره‌های مختلفی در این زمینه برگزار می‌شوند؛ اما همان‌طورکه «هیچ آموزش دیگری بدون ارزیابی کامل نمی‌شود، آموزش سنجشگرانه‌اندیشی نیز نیازمند منبعی معی برای ارزیابی توانایی‌های دانش‌آموزان و دانشجویان است». این کتاب چارچوبی برای ارزیابی توانایی‌های سنجشگرانه‌اندیشی دانش‌جویان فراهم می‌کند. این معیارها به مدیران و آموزش‌گران در تمام سطوح، از ابتدایی تا تحصیلات عالی، کمک می‌کند که میزان سنجشگرانه‌بودن تفکر و استدلال دانشجویان را در هر موضوع یا رشته ارزیابی کنند. همچنین دانشجویان و افراد دیگری نیز که مشغول خودآموزی سنجشگرانه‌اندیشی هستند، می‌توانند از این کتاب به‌عنوان ابزاری برای خودارزیابی استفاده کنند.

است» (صص ۸۴-۸۵).

احمد زیدآبادی در این کتاب فضل کوتاهی را نیز به مسئله خاورمیانه و ارتباط آن با ایده ملت-دولت برآمده از یمان وستفالی و ساختار دولت‌های منطقه و الهام‌گرفتن آنها از الگوی آلمانی (ضدتکنرکرا و ناسیونالیسم ژئادگراییانه) اختصاص داده است. همچنین در فصل به مسئله اسرائیل و فلسطین می‌پردازد. این فصل نیز درعین‌حال که ذیل ایده کلی، تناقض‌ناهمگنی از دو نظام حقوق مبتنی بر دیانت و ملیت پیدا کردند» (ص ۷۱).

نویسنده کتاب معتقد است تلاش‌های فکری سال‌های بعد از انقلاب که توسط افرادی نظیر عبدالکریم سروش، سیدجواد طباطبایی، مهدی بازرگان، حسینعلی منتظری و روشنفکران دینی صورت گرفته‌ه، صورت‌بندی نظری باکفایتی از ملت-دولت ارائه نکرده است. به گمان وی شاعر «ایران برای همه ایرانیان» اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ بازترین بروز ملت-دولت بوده که اصلاح‌طلبان نیز اهمیت آن را درک نکرده یا به دلایل سیاسی و عملی از آن عقب‌نشسته‌اند (صص ۷۲-۸۰). به‌هرحال، زیدآبادی معتقد است «ما ایرانیان در طول قرون گذشته، با عدم خودآگاهی نسبت به روح وستفالیای (بیمان وستفالی)، روند بلوغ ملی خود را به‌طورطبیعی طی نکرده‌ایم و اینک با عوارض سهمگین آن روبه‌رو هستیم» (ص ۸۴). از طرفی دیگر، تشدید گفتمان ملی‌گرایی هم «متأسفانه رنگ و بوی نفرت و تفرعن ژئادی در این کشور گرفته و با عنصر غریستیزی درآمیخته است. … و در تضاد باکثرت‌گرایی و تساهلی است که یکی از دستاوردهای مهم ملت-دولت



برگ‌برگ

داشت. این دوگانگی هرچند برای وفاق اجتماعی آن روز ضروری بود اما از انسجام لازم برای تعیین حقوق اتباع کشور برخوردار نبود» (صص ۴۵-۴۶).

نویسنده سپس سراغ تحولات دوره رضاشاه می‌رود. نسبت آنها با دولت‌سازی اتاتورک در ترکیه، نگاه یک سویه به ملزومات مادی دولت‌سازی و ناآگاهی از سویه معنوی ملت-دولت و بالاخص سیاست‌دگروی تکرر و توع رضاشاه را شرح می‌کند (صص ۵۲-۵۳). بخش دیگری از تلاش زیدآبادی معطوف به نشان‌دادن اثر مخرب ایده‌های جهان‌وطنی و انترناسیونالیستی حزب توده بر بسط و تکوین ایده ملت-دولت در ایران است (ص ۵۷). وی سپس شرحی از چگونگی برآمدن اندیشه امت‌گرایی در دهه ۱۳۴۰، برآمدن جریان‌های مبارز چپ‌گرا و مذهبی و روشنفکری ملهم از دین و مارکسیسم ارائه می‌دهد. به نظر زیدآبادی در همه این اندیشه‌ها، ملت-دولت، منافع ملی و حاکمیت ملی نه نظریه‌پردازی می‌شد و نه جایگاه معتبری داشت. اندیشه چپ‌گراها، شریعتی، مطهری و… در این چارچوب قرار می‌گیرند. زیدآبادی معتقد است سبیطره اندیشه‌های ناسازگار با ملت-دولت چنان فرارگیر بود که در مذاکرات قانون اساسی بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز کسی نماینده و صدای بلند ایده ملت-دولت نبود. حتی مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت، در پیامی به

کتاب «الزامات سیاست در عصر ملت-دولت» به گمان نویسنده‌اش زاییده یک ضرورت است و من با ضرورت نوشته‌شدن چنین کتابی موافقم. احمد زیدآبادی پژوهش وسیع‌تری درباره ملت-دولت (Nation-state) در دست انجام داشته. ولی احساس کرده باید خلاصه‌ای از آن را به روان‌ترین و ساده‌ترین شکلی که ممکن است، بدون بحث‌های نظری و پیچیدگی‌های علوم اجتماعی، حتی بدون ارجاع به منابع، در اختیار خواننده ایرانی قرار دهد. کتاب «الزامات سیاست در عصر ملت-دولت» یک ایده محوری دارد: جهان از حدود ۴۰۰ سال پیش، بعد از پیمای وستفالی در سال

۱۶۴۸ میلادی، از اشکال پیشین سازمان‌دهی سیاسی (قبیله، دولت‌شهر و امپراتوری) گذر کرده و ملت-دولت به شکل قالب سازمان‌دهی سیاسی تبدیل شده است. پذیرش ملت-دولت «با» به رسمیت شناختن حاکمیت انحصاری واحدهای سیاسی و جغرافیایی بر قلمره خود و تضمین آزادی مذهبی در درون این قلمروها، به‌منابیه آغازی بر گذر از نظام حقوقی مبتنی بر شریعت به نظام حقوقی مبتنی بر تابعیت یا ملیت عمل کرد» (صص ۲۰-۲۱).

ملت-دولت از نظر زیدآبادی شکلی از

